

خبر | **دعای روز نهم ماه مبارک رمضان**

اضیافت |

اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي فِيهِ نَصِيبًا مِّن رَّحْمَتِكَ الواسِعَةِ و اَهْدِنِي فِيهِ لِتِرَاهِينِكَ السَّاطِقَةِ وَخَذْ بِنَاصِيَتِي اِلَى مَرْضَاتِكَ الْجَامِعَةِ بِمَحَبَّتِكَ يَا اُمَّلَ الْمُشْتَاقِيْنَ.
خداوند، مرا نصیبی کامل از رحمت واسع خود عطا فرما و به ادله و براهین روشن خود هدایت‌م نما و سرنوشت مرا به سوی رضا و خشنودی خودت که جامع هر نعمت است سوق ده به حق دوستی و محبت، ای امید و آرزوی مشتاقان عالم.

خبر | **رابطه انسان و دین^۸**

دین واقعی



انسان در دنیای کنونی باید به چنان درک و شناختی برسد که دین واقعی راز بسدل آن بساز شناسد، دینداران را از تاجران دین تمییز دهد، اجازه ندهد به نسام دین زندگی او تیه شود؛ زیرا یکی از طعمه‌ها برای فریب انسان‌ها دیندارانسی بوده‌اند که چشم‌انداز دل‌ربایی برای انسان ارائه کرده‌اند. فراموش نکنیم که آدم در بهشت برین با چنین پیشنهاد چشم‌پرکنی فریفته شد. فُؤسُوسُ لِيُهَيِّبَ لِيَهْمَا الشَّيْطَانُ لِيُهَيِّبَ لِيَهْمَا مَا وُورِي عَنِّيهِمَا مَن سَبَّوْهُمَا وَتَهَمَّا وَقَالَ مَا تَهَيَّاكُمَا رَبُّكُمَا عَن هَذِهِ الشَّجَرَةِ اِلَّا اَنْ تَكُوْنَا مَلَكِيْنَ اَوْ تَكُوْنَا مِمَّنْ الْخَالِدِيْنَ. سپس شیطان آن دو را وسوسه کرد، تا آنچه را از اندامشان پنهان بود، آشکار کند و گفت: پروردگارتان شمارا از این درخت نهي نکرده مگر به‌خاطر این که (اگر از آن بخورید)، فرشته خواهید شد، یا جاودانه (در بهشت) خواهید ماند! (سوره اعراف، آیه ۲۰). قرآن درباره تاجران دین هشدار داده است: يَا أَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اِنَّ كَثِيْرًا مِّنَ الْاَخْبَارِ وَالرَّهْبَانِ لَيَاْكُوْنُ اَمْوَالُ النَّاسِ بِاَيْدِيْهِمْ اِي كَسَانِي كِه ايمان آورده‌اید؛ بسیاری از دانشمندان (اهل کتاب) و راهبان، اموال مردم را به‌یابل می‌خورند (سوره توبه، آ ۳۴). جالب این که پیامبران بارها تاکید کرده‌اند که در عوض هدایت مردم، میرزدی از آن‌ها نمی‌خواهند. یا قَوْمِ لَا سَأَلَكُمُ عَلَيْهِ اَجْرًا اِنْ اُجْرِيْ اِلَّا عَلٰى الَّذِي فَطَرَنِيْ اَفَلَا تَعْقِلُوْنَ. ای قوم من! من از شما برای این (رسالت)، پاداشی نمی‌طلبم؛ پاداش من، تنها بر کسی است که مرا آفریده است؛ آیا نمی‌فهمید؟! (سوره هود، آیه ۵۱). سوداگران وقتی لباس دین به تن می‌کنند، باعث شیشه مردم می‌شوند. آنان دانما بر مقدس بودن دین تاکید می‌کنند تا مبادا انسان‌ها به خود اجازه ورود به مباحث دینی بدهند؛ هر مور زمان، دست ایشان رو شود. آنان دین را به شکل کاملا ملورایی، همراه با شعارها خرد کرده و خود را از قبیل آن امرار معاش می‌کنند. دینی که از فیلتز سوداگران ارائه می‌شود، خنثی و بی‌خاصیت است و کسی را از ظلمت نمی‌رهاند و به سوی نور نمی‌برد. بعضی عوارض دین تقلبی به‌قرار زیر **دین اهمیت به تقدس به جای تعقل** تقدس‌گرایی تقریباً آفت همه ادیان و مذاهب بوده است و سوءاستفاده‌کنندگان از احساسات مردم به‌خوبی از این حربه برای رسیدن به مقاصد خوداستفاده کرده‌اند. متأسفانه تقدس‌گرایی باعث دوری از خردگرایی شده و کشور و ملت‌های سادهداندیش را کور می‌کند. معروف است که در جنگ جمل بسیاری از اصحاب جمل پیشکل شستر عایشه را جمع‌آوری می‌کردند و ادعا می‌نمودند که بوی مشک و عیبر می‌دهد و بسیاری از ایشان از آن مقدس می‌شمردند و... این نکته طبیعی است که پیشکل هر گز بوی عطر ندهاده و نمی‌دهد، اما مقدس‌گرایی باعث می‌شود که شخص حتی احساسات خودش را هم گمراه

خبر | **۱۷۵**

بهار

پنجشنبه ۲۷ تیر ۱۳۹۲ | شماره پیاپی ۳۴۲ | دوره جدید | شماره ۱۷۵

اوقات شرعی | اذان ظهر: ۱۳/۱۱ | اذان مغرب: ۲۰/۳۹ | اذان صبح فردا: ۴/۲۱ | طلوع خورشید: ۶/۰۳

www.baharnewspaper.com

نشانی: خیابان لارستان، جلالیان، پلاک ۴۱

تلفن: ۸۸۹۱۴۶۲۶ - ۸۸۹۱۴۶۳۵

فاکس: ۸۸۹۱۴۸۰۳

صاحب امتیاز و مدیر مسئول | سعید پورعزیزی

خبر | **کار تون**



خبر | **روایت شمیران پایای پیاده**



احمد

مسجدجامعی

در یکی از روزهای تعطیل خرداد ۱۳۲۵، جوانی ۳۳ساله بعد از صعود به توجال، در حال پایین آمدن بود و او کهنه‌وردی و طبیعت‌گردی را بسیار دوست داشت و این کار دائم را به‌ویژه در ایام تعطیل آخر هفته انجام می‌داد. در اثر این آمدوها با محلی‌های بسیاری آشنا و هم‌صحبت شده و به‌مرور نام کوه‌ها، دره‌ها، بندها، چراگاه‌ها و چشمه‌سارهای دامنه توجال آشنایی یافته بود. آن روز وقتی پایین می‌آمد، به‌فکر افتاد که در این مکان‌ها را گردآوری و ثبت کند. پیش از او کسی به این موضوع پراهمت توجهی نداشت. بعد از این هر بار که به کوه می‌آمد سراغ افراد سالخورده و معتمدی که در کوه چادر زده یا در روستاها ساکن بودند، می‌رفت و صحبت‌ها و خاطرات آن‌ها را یادداشت می‌کرد و بسیار تلاش داشت تا هیچ نکته‌ای از قلم نیفتد. پیدا کردن این افراد در کوه و صحبت با آن‌ها کاری بس دشوار بود، اما او با شکیبایی آن را انجام می‌داد. بعد از مدتی که اطلاعات مربوط به رشته کوه‌های توجال در شمال شمیران و تهران جمع‌آوری شده، به این فکر افتاد که چرا این کار را برای روستاها و دهکده‌های شمیران انجام ندهد؛ بنابراین دست به کار شد و به تنک تک این روستاها که هر یک از آن‌ها امروز به یکی از محلات شهر تهران تبدیل شده‌اند، سر زد و با تمام معتمدان و بزرگان آن‌ها گفت‌وگو کرد و اطلاعات بسیاری از وضعیت گذشته و حال شمیران آن زمان گردآورد. آن روز منطقه شمیران با آموزش زمین تا آسمان فرق می‌کرد و روابط دیگری بین اهالی حاکم بود و شمیران هنوز بیلابی تهران به‌حساب می‌آمد. او خود همگان آشکار است، اما بعضی بر آن گويفندسرا در دامنه‌های جنوبی رشته توجال باقی بود. هنوز فوج و ماستی در سر چادرهای ایشان پیدا می‌شد. هنوز افراد عادی، دست‌ودلباز بودند و می‌توانستند سر ظهر از سه‌چهار نفر از راه‌سیده پذیرایی کنند. هنوز جنگ شهری و هراتی و ارباب

و رعیت و کارفرما و کارگر و مرد وزن و پدر و پسر و مالک و مستأجر و... شروع نشده بود. هنوز صفا و وفا از ده نشینان نگرفته بودند و در هر گذر ده که می‌گذشتم سلام و علیکی شنیده می‌شد. با این همستگی به‌سر چادرهای‌فتم‌و‌از پیران سالخورده و تجربه اندوخته پرش‌های می‌کردم و جوابشان را ثبت و ضبط می‌کردم. به این ترتیب نام‌های جغرافیای محلی کوهستان گردآوری شد.»

این جوان سی‌وسه ساله که امروز پیر مردی مدسه‌ساله است و فرار است سالروزی یک‌صد سالگی او را جشن بگیریم، نخستین کسی است که به‌گردآوری تاریخ شفاهی شمیران آن روز و تهران امروز هم‌گماشت و نام خود را در بین اولین نشان داده است. این اطلاعات تنها با یک کوله‌پشتی و پای پیاده تمام شمیران را زیر پا گذاشت و با تحمل سختی‌ها توانست تاریخ شفاهی شمیران و تهران را پایه‌گذاری کند. امروزه این شیوه به یکی از مهم‌ترین روش‌های مستقیق در حوزه شناسید و آرینتدای امر پیش‌یافتده به‌نظر گمشده پایتخت بدل شده‌است. این جوان، یعنی «منوچهر ستوده»، در آن زمان که شروع به این کار کرد، دوره‌دکتری ادبیات خود را در دانشگاه تهران گذرانده بود؛

البته رساله دکتری‌اش را در سال ۱۳۲۹ به پایان برد. پایان‌نامه تحصیلی او «قلاع اسماعیلیه در رشته کوه‌های البرز» بود که بعدها خود دانشگاه تهران آن را چاپ کرد. ستوده جوان این رساله را به پیشنهاد آقای بدیع‌الزمان فروزانفر انجام داد که استادش بود. در آن زمان استاد فروزانفر درباره پیشینه و ادبیات اسماعیلیه کاری می‌کرد و چون می‌دانست وی قبلاً بسا پای پیاده به تمامی قلعه‌های اسماعیلیه در نواحی البرز سرزده و از آن‌ها عکس و مطلب تهیه کرده، این پیشنهاد را به او داد.



شروین پاشایی



خبر | **ا بررسی مدهای روز در «دنیای‌مد»**

نخستین مجله‌مد تاریخ مطبوعات ایران به زودی وارد چرخه نشریات کشور می‌شود. این مجله تحت عنوان «دنیای‌مد» به صاحب امتیازی محمدرضا جلالیان به معرفی آخرین ژورنال‌های لباس در دنیا، مدهای فاخر و اصیل ایرانی و پوشش‌های جدید و مدرن خواهد پرداخت. به گفته جلالیان این مجله‌از خوان مجوز عبور کرده و منتشر و در کیوسک‌های مطبوعاتی عرضه شود اما با تأخیر به‌وجود آمده احساس می‌شود هم‌زمان با روی کار آمدن دولت جدید، فضا و عرصه بیشتری برای آگاهی‌بخشی این گونه‌نشریات در کشور فراهم شده باشد و امید می‌تواند این تجربه جدید مورد پسند و اقبال مردم قرار گیرد.

خبر | **بذار تا اید بخوابم**



کاور

فولادی‌نosp

معمار

آسمان آبی است. سر جاش است. باشکل و شمایل جدید. نه، آبی آبی هم که آنی نیست که توش شهرموش‌ها را دیدم نه، به‌لاچوردی -هفت‌بار- اما این را هم دوست‌دارم. می‌زنسد؛ از آن معمارش را هم دوست‌دارم. «آقا، لاچوردی‌های ناز که دل آدم را می‌بزد، پرند‌ها می‌خوانند و تراز می‌کنند تو را می‌دهسم، نمی‌گیرد. کمتر لای برگ‌های چنار‌ها می‌ریزد روی زمین. سنگ‌فرش پیاده‌رو سایه‌روشن است. نفس عمیقی می‌کشم و هوای تمیز را فرو می‌دهم‌توی ریه‌هایم. روح تازه می‌شود. روی چمن‌های وسط میدان دراز می‌کشم. زیبایی میدان تجریش به همین است که با طبیعت گره خورده. کمتر شهری در دنیا یک چنین میدانی دارد. دست‌ها را دراز کنی، کوه‌ها را گرفته‌ای دستم‌را. می‌کشم روی چمن‌های‌تر و تازه. خنکایشان حالم را جالمی آورد. کم‌کم باید راه بیفتم. برای تاکسی‌ای دست تکان می‌دهم: «بازار». مرد خوش‌صحنی است. برایم از میهمانی دیشبش می‌گوید. وسط‌های نقلش، مدام شعر می‌خواند. ولیعصر را می‌رود. پایین‌من دانه‌دانه خاطر‌هایم را مرور می‌کنم؛ موزه سینما، لوکس طلایی، پاساژ فرشته، نزدیکی‌های پارک‌وی رسیده‌ایم. پایش را گذاشته روی گاز. «بیم که از روم‌تر برید. به وقت کسی از خیابون رد می‌شه.» «کسی؟ شوخی می‌کنی عمو... «کسی» وسط خیابون چی کار داره؟ عابر پیاده اسمش روزه؛ فقط هم از پل و خط‌کشی استفاده می‌کنه. خیابون مال ماشینه.» «همیشه کنار حوض. آقا رضا با لیخد شاطر عباس. بازار صوفیه. پارک ملت. نمی‌شود یکبار از این ولیعصر بالا یا پایین بروم و روز‌هایی از گذشته نیاید جلوی چشم‌هایم. رستوران اسکان. بازار پایتخت. چقدر هم که زشت است این بازار. اما هرچه باشد همیشه به‌تکنولوژی مجهزم کرده؛ به عجز‌های می‌ماند که ازش متنفرم. اما حسایی‌ن‌هش‌بده‌کارم.

یک، دو، سه و چهار تهران امروز به‌شمار می‌رود و می‌تواند آنگوی مناسبی برای ثبت‌وضبط اطلاعات تهران دهه ۹۰ برای آشنایی آیندگان با این برهه از تاریخ تهران باشد. علاوه بر این کتاب، بیشتر آثار دیگر استاد بستوده نیز براساس مشاهدات ایشان گردآوری و به رشته تالیف درآمده است. یکی دیگر از آثار ماندگار استاد که به همین شیوه گردآوری و تالیف شده است، کتاب «از آستارا تا استرآباد» نام دارد. استاد برای جمع‌آوری اطلاعات این کتاب بیش از ۲۰سال، تمام مناطق گیلان و مازندران و گلستان، از کوه گرفته تا داشت و روستا و جنگل را زیر پا گذاشت و به این ترتیب اطلاعات ذی‌قیمتی از آثار تاریخی این کارنامه در این استان‌ها گردآوری کرد. این کار عظیم توسط انجمن آثار ملی آن روزگار و انجمن آثار و مفاخر فرهنگی امروز حمایت می‌شد. اوایل دهه ۳۰ «اون صدای من نیست که، خسروشاهیه.» و من بگویم: «حالا به توی تو بگو، ببینیم چطوری می‌گی...» توی گوشم صدا می‌کند: «اگه این فقط به خوابه |بذار تا اید بخوابم.»

خبر | **الو بهار**

سایه‌بوقت دریافت پیامک ۳۰۰۰۶۰۳۰۰۶۰۰

دریافت پیام شما ۸۸۹۱۴۶۰۰

Email:Info@baharnewspaper.com

خبر | **وزیر اقتصاد احمدی‌نژاد در گزارش به رهبری اعلام کرد صد میلیارد دلار ذخیره‌ارزی داریم.** از آقای روحانی می‌خواهم وقتی دولت رو تحویل گرفت اولین کارش این باشد که یک گزارش دقیق از داریی و اوضاع اقتصادی به مردم‌ده تا معلوم بشه وضع کشور چطوره؟

خبر | **پیشنهاد پسندیده‌ای است چون از بس این دولت غیر شفاف عمل کرده و آمار‌های متناقض از درون دولت به گوش رسیده‌است تا دولت جدید مستقر نشود معلوم نخواهد شد که ایران در چه وضعیتی قرار دارد.**

خبر | **چرا آقای احمدی‌نژاد این دم آخر از مردم عذرخواهی نمی‌کند.** مردم ما این‌قدر بزرگوار هستند که ایشان را ببخشند

خبر | **بهار | آقای احمدی‌نژاد و عذرخواهی!**

خبر | **سلام** ... بالاخره آقای شریعتمداری نفرموده‌اند که این پروژه‌هایی که در خیالات... کشف کرده‌اند با کمک کدام سازمان ضدجاسوسی است که در راس آن قرار گرفته‌است.

خبر | **بهار |بگم!**

خبر | **سلام.** بعضی افراتیون برای دکتر روحانی خط‌و‌نشان می‌کشند که حق نداری از اصلاح‌طلبان و کارگزاران در کابینه استفاده کنی! واقعا دم خنده‌اش می‌گیرد. انگار نه انگار انتخاباتی شده و نماینده این گفتمان رای آورده است. به نظر من این‌ها از تواضع اصلاح‌طلبان که گفته‌اند توقع هیچ بست و مقامی را ندارند، سوءاستفاده می‌کنند و به خودشان حق می‌دهند به جای رییس جمهوری منتخب تصمیم‌گیرند

خبر | **بهار |در دیزی با‌ها!**

خبر | **روز** صبح دلم گرمه ایته که بازم بهار و بازم اصلاحات می‌خواد بباد تو زندگیم. واقعا خدا قوت روزنامه شادی و نشاط و تدبیر و امید. دوستون دارم. زنده باد ایران.

خبر | **بهار |قربان مرام و معرفت‌نا!**

ا پرسه در تهران^{۱۵}